

درباره مجلد پنجم منشآت میرزا مهدی خان استرآبادی

(نسخه کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی ره)

ابوالفضل عرب زاده

به گواهی تاریخ، دانشمندان مسلمان در روزگاران گذشته به ویژه در سده‌های چهارم تا هشتم، با الهام از رهنمودهای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) پایه‌گذاران علم و تمدن و پرچمدار علوم و فنون بوده‌اند. در این باره نبوغ ایرانیان پس از اسلام بسیار چشم‌گیر است که آثار نفیس و مکتوب آنان زینت‌بخش موزه‌ها بوده و آنها را در کتابخانه‌های بزرگ جهان می‌بینیم.

همچنین دست‌نوشته‌هایی چون قرآن کریم به خط کوفی روی پوست بدون نقطه و اعراب و تفاسیر مفسران مذاهب اسلامی و آثار فقهی، روائی، تاریخی، ادبی، ریاضی، طبی و اندیشه و تفکرات مکتوب دانشمندان ایران اسلامی به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و دین دبیره (الفبای زند) از قرن دوم و سوم هجری تا این زمان که در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی؛ به یادگار مانده است، شاهد این مدعا است. در لابه‌لای این مجموعه نفیس، آثاری وجود دارد که اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبیات روزگاران گذشته را مجسم می‌کند و نشان دهنده دانش و تلاش مراحل مختلف فرهنگ و تمدن و ابتکارات صنایع و نبوغ علمی مسلمانان است. این نفایس دارای اهمیت ویژه‌ای است که اگر در احیاء آن سهل‌انگاری گردد ممکن است بسیاری از جریان‌های تاریخی در لابه‌لای کتاب‌ها و نسخه‌های خطی مدفون بماند.

بسیاری از مباحث علمی دقیق و نظرات فقهی فقها و ابتکارات، صنایع گوناگون اندیشمندان این مرز و بوم، همچنین رویدادهای تاریخی ادوار گذشته، در میان نسخه‌های خطی نهفته است که با دقت در آنها می‌توان به علل قوت و ضعف ملل، عدل و ستم سلاطین و حکام، پیشرفت و عقب‌ماندگی هر جامعه آگاهی یافت و تجربه آموخت و دانش‌های گوناگون را به اندوخته‌های علمی خود افزود و خرد را ملاک عقل و سرمشق کار خود قرار داده به نسل آینده سپرد.

از جمله دست نوشته‌های ادبی و تاریخی آثاری است از عالم و نویسنده و ادیب توانا میرزا مهدی خان استرآبادی که از بهترین نمونه ترسالات زبان فارسی عصر خود می‌باشد و به عنوان نثر ادبی قرن ۱۱ - ۱۲ هجری در تاریخ ادبیات ایران باقی مانده است، و آن جلد پنجم منشآت وی است.

این نسخه که در اینجا به اختصار معرفی می‌شود می‌تواند کمک قابل توجهی به شناخت ادبیات از زمان انقراض صفویه تا اوایل دوره قاجاریه بنماید. همچنین به حوادث تاریخی مهمی که در دوران حکومت و سلطنت نادرشاه رخ داده است در قالب ادبیات اشاره می‌کند. کد نسخه ۲۸/۵۳ به عنوان مراسلات نادرشاه و منشآت میرزا مهدی خان در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه معرفی شده است. دارای ۲۲۲ صفحه، هر صفحه ۲۱ سطر کتابت دارد. اندازه سطور ۹ سانتی‌متر و اندازه کتاب ۲۲×۱۵ سانتی‌متر است. نوع خط شکسته و نوع جلد تیماج مقوایی مشکی است. عناوین اصلی هر نامه با مرکب قرمز نوشته شده و با کشیدن خط قرمز، روی آیات قرآن و احادیث آنها را از دیگر کلمات جدا کرده و نشان می‌دهد. فاصله بین مصارع اشعار را با قلم قرمز مشخص می‌نماید. بالای هر صفحه با خودکار به خط جدید شماره صفحه خورده است. نانوشته‌ها و اشتباهات در حواشی بعضی از صفحات به خط کاتب اصلی در صفحات: ۱۲ - ۳۴ - ۴۱ - ۵۴ - ۷۰ - ۷۴ - ۷۵ - ۸۳ - ۱۱۱ و ۱۱۲ دیده می‌شود.

این مجلد دارای ۲۳۹ عنوان مراسلات، نامه‌ها و جواب نامه، فرمان‌ها، صلح‌نامه، ظفرنامه، فتح‌نامه و... نادرشاه است. در صفحه اول و آخر کتاب با مهر بیضی (صراط علی حق نمسکه) مهور شده. در این کتابخانه دو نسخه دیگر از این منشآت وجود دارد که بسیار مغلوط و نامنظم و با این نسخه متفاوت است. نسخه فوق‌الذکر شایستگی آن را دارد که مورد تحقیق قرار گیرد، به خصوص صلح‌نامه صحرای مغان و ترک سب صحابه و نظایر آنها که پژوهشگران می‌توانند با تحقیق بیشتر نکات تاریک تاریخ را تبیین نمایند.

از نظر ادبی در منشآت لغاتی وجود دارد که اکنون مصطلح نیست و ما امروزه آن را به کار نمی‌بریم. بعضی از واژه‌ها نیاز به توضیح دارد، چنانکه کتاب جهانگشای نادری که از همین مؤلف است و به همت استاد سید عبدالله انوار مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته حدود چهارصد صفحه به تعلیقات و توضیح لغات پرداخته است.

معرفی جلد پنجم منشآت

جلد پنجم منشآت شامل مراسلات، نامه‌ها جواب آنها و صدور فرمان‌ها، فتح‌نامه‌ها و ظفرنامه‌ی یکی از سلاطین مقتدر ایران (نادرشاه افشار) است که از طریق میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی مخصوص او که به ضبط وقایع مأمور^۱ بوده است، به رشته تحریر درآمده و حقایق بسیاری درباره مظاهر زندگی دوران

نادرشاه بدست می‌دهد.

طرز مکاتبات سیاسی، اجتماعی، اداری و شیوه نگارش دوره افشاریه و تحولات فکری، نظامی، آن زمان و میزان حق‌طلبی و عدالت‌خواهی مردم و... از طریق بررسی این اسناد می‌توان اطلاع حاصل نمود. اگر چه به جزئیات تشکیلات حکومتی نپرداخته است. اما در میان سواد فرمان‌ها و مکاتبات. مطالب تاریخی ارزشمندی برای محققان و پژوهشگران وجود دارد، که بسیار ارزنده است و معرف سبک ادبی قرن یازدهم و دوازدهم هجری است و انواع و اقسام صنایع ادبی را در بردارد، و در جای جای مراسلات و نامه‌ها، معنی فدای الفاظ و هنرهای تزئینی صنایع ادبی شده است. حتی ادبا و سخن‌سنان در موقع مطالعه می‌بایست از کتاب لغت کمک بگیرند.

به هر حال کتاب منشآت میرزا مهدی خان بهترین معرف سبک ادبی و نویسندگی نثرنویسی اواخر دوران صفوی و عصر نادرشاه افشار است. که حاوی فرمان‌ها و نامه‌های نادرشاه به سلاطین روم، روس و هند و شخصیت‌های علمی، سیاسی و بزرگان ایل و عشایر می‌باشد.

در اوایل کتاب چند عنوان وقفنامه دارد و در صفحه ۴۹ نامه‌ای است به ربیع نام، در عزیمت سفر هند از نجف اشرف؛ در صفحه ۸۳ مسوده‌ای است خالی از الف، و در صفحه ۹۹ دیباچه بیاض امام قلی میرزا را آورده؛ در صفحه ۱۰۱ عقدنامه شاه زاده رضا قلی میرزا، در صفحه ۱۲۱ نامه‌ایست به ملا محمد باقر استرآبادی مدرس دارالسلطنه اصفهان. در صفحه ۱۲۷ نامه‌ای به میرزا طوفان نوشته، در صفحه ۱۲۸ درتهنیت تسخیر اصفهان است و همین نامه است که موجب گشت تا میرزا مهدی خان به دربار نادرشاه راه یابد که در همین مقال به مناسبت خواهد آمد. در صفحه ۱۳۷ نامه‌ای به ملا محمد زکی شیخ الاسلام اصفهان آمده است. در صفحه ۱۴۵ فرمان ترک سب صحابه است، در صفحه ۱۶۱ صلحنامه صحرای مغان و صفحه ۱۶۳ مراسله‌ای به پادشاه روم نوشته، صفحه ۱۷۳ نامه‌ای به ایلچی هند و... خلاصه از صفحه ۱۷۰ فرامینی است که به مشایخ عرب و طوایف و بزرگان ایل و عشایر خوزستان و فارس و ... فرستاده که به عنوان نثر ادبی دوره بعد از صفویه در تاریخ ادبیات ایران باقی مانده است.

اما اطلاع جالبی که در باره خود میرزا مهدی خان ابن محمد نصیر استرآبادی (متوفای بعد از سال ۱۱۷۳) در این منشآت آمده آن است که در صفحه ۱۱۰ منشآت در دیباچه وقفنامه کتاب‌های خود که قریب سیصد جلد کتاب بوده است می‌نویسد... لهدا بنده حقیر و محتاج رحمت رب قدیر محمد مهدی ابن محمد نصیر، وقف صحیح شرعی نمود تمامی قرآن مجید و فرقان حمید و جمیع کتب فقه و تفسیر و حدیث و کلام و غیره الخ.

در صفحه ۱۲۸ منشآت، در تهنیت تسخیر اصفهان چنین می‌نویسد:

بذوره عرض می‌رساند که چون ذی شوکتی که تدبیر ملک آرایش جهان را علت برق شمشیر جان ستانش آتش افروز خرمن صبر و توان دشمن ملک و ملت باشد و صاحب دولتی که لذت زخم خنجرش گلوسوز اعدای دون و ماهیچه‌ی لوای طالعیش بسان رایت زرین آفتاب خیره ساز دیده خفاش طبعان سیاه اندرون بوده، از آب تیغ آتشبار خاک ندامت بر روی دشمنان بادپیما باشد، دعای بقای عمر و اقبالش بر خاص و عام و شکر دولتش بر عموم و جمهور را نام واجب می‌باشد.

لهذا بندهی اخلاص نژاد با تمامی اهل استرآباد درگاه و بیگاه از درگاه احدیت بمسألت دوام ایام عمر شریف قیام و باقدام جبین بطی مراحل دعاگوئی اقدام دارد بتخصیص درین اوان خجسته و زمان فرخنده که بمعاضدت جنود تأییدات لایزالی و لشکر کشی دشمن کش نواب مستطاب عالی فتح دارالملک اصفهان میسر و کلید تدبیر و سعی بندگان عالی بسان مفتاح هلال مملکت گشایی هر کشور و شهر گشته نقد ملت محمدیه که در بازار جهان کاسد شده بود رواج طلای دست افشار گرفت و اورنگ سلطنت و جهانبانی که پای فرسود اعدای سرکش گشته بود سرکوب چرخ برین آمده، فحماً ثم حمداً لله که مجدداً آفتاب وجود قبله‌ی حقیقی بر عرصه‌ی ملک موروثی تافت و بکوری چشم اعداً و کوتاه بینان خاک صفاهان از تأثیر قدوم میمنت لزوم و الا در نظرها حکم سرمه‌ی صفاهانی یافت... الخ

از قرائن این نامه معلوم می‌شود که اولین مرتبه‌ای است که میرزا مهدی خان با جمعی از اهالی استرآباد به اصفهان آمده و تسخیر اصفهان را به نادرشاه تبریک گفته است. و بعد از این نامه است که میرزا مهدی خان جزو نزدیکان و منشیان نادرشاه محسوب می‌شود.

در صفحه ۲۱۰ - ۲۱۱ نامه‌ای است از جانب نادرشاه جهت صلح و دوستی، میرزا مهدی خان را به همراه مصطفی خان شاملو به دربار سلطان محمود خان پادشاه روم روانه نموده است.

در آن نامه می‌خوانیم... شهامت و مناعت پناهان حشمت و ابهت و اجلال دستگاه عالی جنابان مقرب الخاقان مصطفی خان شاملو واقف حضور و محمد مهدی خان منشی را که عمده معتمدان این دولت ابدبنیان و محل وثوق این سلطنت را سخته الارکان بودند... الخ. این نامه به روشنی می‌رساند که میرزا مهدی خان مقرب درگاه و از معتمدین دربار نادرشاه بوده است و در تواریخ می‌بینیم که در سفرهای دور و دراز میرزا مهدی خان همراه نادرشاه و ناظر به فتوحات او بوده است. در این سفرهاست که ظفرنامه‌های هرات، قندهار و صلحنامه‌های ایران و روم و فرمان‌ها و مراسلات و... را به رشته تحریر درآورده که در منشآت مذکور و به عنوان نثر ادبی باقی مانده است.

چون مصطفی‌خان و میرزا مهدی خان به همراه هیئتی از اصفهان عازم بغداد می‌شود تا به وسیله احمد پاشا حاکم بغداد این هیئات با حسن نیت دولت عثمانی مبادله شوند و به قسطنطنیه روند، در همان موقع نادرشاه به فتح‌آباد قوچان می‌رسد و به دست فرماندهان خود مقتول می‌شود که شرح آن در تواریخ مذکور است. خبر مرگ نادر به بغداد می‌رسد، همین موضوع مانع رفتن میرزا مهدی خان و هیئت همراه به اسلامبول می‌شود.

میرزا مهدی خان بعد از قتل نادر صلاح خود را در آن می‌بیند که به گوشه‌نشینی و انزوا به سر برد تا از موج نارضایتی مردم نسبت به نادر در امان بوده و به اتمام کتاب‌های ناتمام مشغول باشد. تا آنجا که تحقیق شد اطلاع مثبتی از تاریخ مرگ او به دست نیامد. آنچه مسلم است تا پایان نامه سنگلاخ ۱۱۷۳ هـ که آخرین تألیف میرزا مهدی خان است زنده بوده، بعضی‌ها مرگ او را در تاریخ ۱۱۷۵ یا ۱۱۸۰ و ۱۱۸۲ می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ جهانگشای نادری، ص ۴.

۲. جهان گشای نادری، ص ۸۰۱.